

## رابطه بین کارکرد خانواده و رضایت زناشویی با سازگاری دانش آموزان دوم دبیرستان شهر گرگان

معصومه باسط

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین کارکرد خانواده و رضایت زناشویی با سازگاری دانش آموزان دوم دبیرستان شهر گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۱۸۰۰ دانش آموز بود که از این تعداد ۳۱۷ نفر به عنوان نمونه پژوهش و یا روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب گردیدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه های کارکرد خانواده (FAd)، پرسشنامه رضایت زناشویی آنریچ و پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی بود. داده های به دست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته ها نشانگر آن بود که بین کارکرد خانواده و رضایت زناشویی با سازگاری دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح کارکرد خانواده و رضایت زناشویی و سازگاری دانش آموزان افزایش پیدا می کند. یافته ها همچنین نشانگر آن بود که کارکرد خانواده و رضایت زناشویی، توان پیش بینی سازگاری دانش آموزان را دارا است.

واژه های کلیدی: کارکرد خانواده، سازگاری دانش آموزان، رابطه، رضایت.

**۱- مقدمه**

هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند مگر آنکه از خانواده های سالم برخوردار باشد. خانواده، برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است. نقش اصلی و آشکار خانواده، انتقال سینه به سینه ی ارزشها و میراث فرهنگی و اعتقادی، حفظ روابط خویشاوندی، پرورش و تربیت نسل و تامین نیازهای اساسی انسانی و بالاخره تعادل روانی و عاطفی در افراد است. از سویی دیگر، سیستمی که بیش از همه بر فرد موثر است و رفتارهای او را هر آن شکل می دهد، خانواده است. به طور کلی موقعیت کودک در خانواده، تعداد و جنسیت فرزندان و ترتیب تولد آنها، نحوه ی ارتباط او با همسالان یا سایر وابستگان، عوامل اقتصادی و فرهنگی، همه در شکل گیری شخصیت کودک نقش دارند. خانواده بعنوان کوچکترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تاثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان ایجاد می کند. بیشترین افراد ناسازگار و مساله دار، وابسته به خانواده های آسیب دیده هستند و فرزندانانی که مربوط به خانواده های پر کشمکش می باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتارهای ناسازگارانه قرار دارند. در مجموع، بر طبق پژوهش های انجام شده ادراک نوجوان از خانواده اش غالبا رابطه ی مستقیم و محکمی با کارکرد روان شناختی ایشان دارد.

**۲- بیان مساله**

خانواده بعنوان کوچکترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است و هرگونه نارسایی در عملکرد خانواده تاثیرات نامطلوبی در بهنجار نمودن فرزندان ایجاد می کند (ساروخانی، ۱۳۸۶). بیشترین افراد ناسازگار و مساله دار، وابسته به خانواده های آسیب دیده هستند و فرزندانانی که مربوط به خانواده های پر کشمکش می باشند به سبب عدم برخورداری از آرامش روانی و عدم تمرکز و آشفتگی بیشتر در معرض رفتارهای ناسازگارانه قرار دارند. سازگاری رفتار مفید و موثر آدمی در تطبیق با محیط فیزیکی و روانی و به گونه ای است که تنها با تغییرات محیطی همرنگی نکرده و به پیروی ناهشیار از آن کفایت نکند و خود نیز بتواند بر محیط تاثیر گذاشته و آن را به گونه ای موثر و مناسب تغییر دهد (بارلو، ۲۰۰۵). انسان سازگار کسی است که از سلامت روانی برخوردار باشد اما تغییرات فشرده و سریع، معمولا قابلیت سازگاری فرد را به طور جدی زیر سوال می برد و در نتیجه احتمال تضاد، تعارض، استرس و سردرگمی پدید می آید (بذل، ۱۳۸۵). آنچه این شرایط را تحت تاثیر قرار می دهد فرایند ادراک فرد از عملکرد خانواده است و در این فرآیند، فرد با دریافت و تعبیر محرکها پنداشت ها و برداشت های خود را از محیط تنظیم و تفسیر می کند (یانگ، ۱۹۹۹). پژوهش ها نشان می دهد که خانواده، موثرترین عامل محیطی در رشد و تحول شناختی کودک است و بسیاری از مشکلات کودکان از خانواده های آنها ناشی می شود (گراهام، ۲۰۰۹). خانواده اولین بذر تکوین رشد فردی و بنای شخصیت را در انسان فراهم می سازد کودک در خانواده زبان می آموزد، ارزش های اخلاقی را کسب می کند، روابط اجتماعی با دیگران را می آموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد می گیرد. خانواده به عنوان فیلتری برای عقاید، ارزش ها و نگرش های مربوط به فرهنگ یک جامعه محسوب می شود و آنها را به یک شیوه بسیار اختصاصی و انتخابی به کودک ارائه می دهد بی تردید باید گفت که شخصیت، نگرش ها، طبقه اجتماعی، اقتصادی مذهب و خصوصیات، وابستگی های نسبی خانوادگی، تحصیل و جنس والدین خانواده بر نحوه ارائه ارزش ها و میزان های اخلاقی به فرزندان تاثیر خواهد گذاشت (کریمی نوری و مرادی، ۱۳۷۲).

**۳- تحقیقات انجام شده داخل کشور**

باباخانی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی والدین نوجوانان اقدام کننده و غیر اقدام کننده به خودکشی که با هدف مقایسه عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی والدین نوجوانان اقدام کننده به خودکشی با غیر اقدام کنندگان انجام گرفت به این نتیجه دست یافت که بین عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی والدین و نیز ابعاد آنها در دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. ( $p < 0.05$ ) بین این متغیرها همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ( $p < 0.05$ ). همین طور، عملکرد خانوادگی و رضایت زناشویی می‌تواند پیش‌بینی کننده رفتار خودکشی در نوجوانان باشند. در این میان، بُعد نقشها در عملکرد خانواده و حیطه مسایل شخصی، مدیریت مالی، و ازدواج و فرزندان (فرزندپروری) متغیرهای پیش‌بین بهتری برای اقدام به خودکشی در نوجوانان بودند. بنابراین رضایت زناشویی والدین و عملکرد خانواده در رفتار خودکشی نوجوانان تأثیر داشته و این مهم بیانگر اهمیت درمان‌های سیستمی و ارائه خانواده درمانی و زوج درمانی در طرحهای درمانی نوجوانان اقدام کننده به خودکشی می‌باشد.

طاهری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان رابطه بین سازگاری زناشویی والدین و رابطه والد فرزندی باعثت نفس و مهارت های اجتماعی نوجوانان به این نتیجه رسید که سازگاری زناشویی والدین رابطه مثبت و معنی داری با کیفیت رابطه والد فرزندی، عزت نفس بالا و مهارت های اجتماعی نوجوانان دارد و آنها را به طور مثبت پیش بینی می کند. همچنین کیفیت رابطه والد فرزندی باعثت نفس و مهارت های اجتماعی نوجوانان رابطه مثبت و معنی دار داشته و پیش بینی کننده مثبت آنها می باشد. همچنین هرچه سازگاری زناشویی والدین بالاتر باشد کیفیت رابطه والد فرزندی در نوجوانان بالاتر است و به این دلیل که سازگاری زناشویی بارابطه والد فرزندی ارتباط مثبت معنی دارد، و همچنین روی هم تاثیر متقابل می گذارند، بنابراین سازگاری زناشویی کیفیت رابطه والد فرزندی بالا می رود و به دنبال این عزت نفس و مهارت های اجتماعی در نوجوانان افزایش می یابد خسروی (۱۳۸۶) پژوهشی با عنوان نقش عملکرد خانواده در بروز رفتارهای مخاطره آمیز نوجوان انجام داد. یافته های پژوهش حاکی از آن بود که ابعاد مختلف عملکرد خانواده و ساخت آن در دو گروه دارای رفتار مخاطره آمیز شدید و رفتار مخاطره آمیز خفیف متفاوت است. وجود روابط گرم همراه با پذیرش و وجود الگوی مثبت در بین دو گروه دختران و پسران از جمله عواملی است که از ارتکاب رفتارهای مخاطره آمیز در بین دو گروه می کاهد.

**۴- تحقیقات انجام شده خارج کشور**

کینتز و میلر (۲۰۰۵) در گزارشی از تحقیق خود بیان داشتند که نوجوانان افسرده در بسیاری از زمینه های عملکردی خانواده از جمله در ارتباط و حل مشکل دارای مشکلاتی مشابه هستند.

استولز (۲۰۰۸) در پژوهش خود دریافت کودکانی که پدران آنها معمولاً از خانه دور بودند نسبت به کودکانی که پدر آنها در منزل حضور داشت بیشتر دارای دشواری و ناسازگاری بودند. آنها دشواریهای مربوط به تغذیه داشتند، کمتر دارای استقلال بوده، ارتباط های ضعیف تری با همکلاسی هایشان داشته و نشانه هایی از اضطراب ابراز می داشتند.

لارسن و مونی (۲۰۰۸) نیز سازگاری نوجوانان و ادراک آنها از رابطه با والدین و دوستان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد نوجوانانی که از نظر کیفی، رابطه های خوبی را با والدین خود تجربه کرده بودند، سازگاری بهتری را در مقایسه با نوجوانانی که از نظر کیفی رابطه ی ناچیزی داشتند نشان می دهند.

شیر و جانسون (۲۰۰۱) معتقدند که خلق و خوی بچه ها و سازگاری آنها با تغییرات در سبک زندگی خانواده ارتباط دارد و درگیری ها و خشونت بین والدینی ممکن است تاثیر شدیدی بر بچه ها شامل انزوای از جامعه، اضطراب و افسردگی و نایمینی را به همراه داشته باشد.

یانگ (۲۰۰۶) معتقد است که رفتار خانواده و رابطه ی والدین نوجوان با رشد رفتاری و روانی نوجوان تطابق دارد. رفتار متضاد پدر و مادر، جدایی والدین از هم، غیبت طولانی مدت یکی از والدین، وجود جو نامساعد در خانواده، پرخاشگر بودن پدر یا مادر یا هر دو، تبعیض و بی عدالتی در مورد نوجوان، تحقیر وی و احساس ناامنی، دخالت بیش از حد در کار وی و رفتار تهدید آمیز از علل روانی - اجتماعی در بروز ناسازگاریهای نوجوانان است. در واقع والدین آزادمنش، قاطع و اطمینان بخش، فرزندان مستقل مسوول و با اعتماد به نفس بار می آورند در حالی که والدین مقتدر، غیر منطقی، خود کامه و همچنین والدین سهل گیر و بی اعتنا، احساس طرد شدگی به نوجوان می دهند و گاهی خشم او را بر می انگیزند که در نهایت به ناسازگاری و حتی افسردگی می انجامد.

در تحقیقی که به وسیله بی لیتل<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۳۳) انجام شده است، تفاوت دانش آموزان از لحاظ سن، سطح تحصیلات والدین و ثبات و پایداری خانواده آن ها مورد بررسی قرار گرفته است، محققان به این نتیجه رسیده اند که پیشرفت کودکانی که والدین آن ها باسواد و خانواده باثبات داشته اند بیشتر بوده است.

تحقیق دیگری که توسط الیزابت بینک در زمینه تأثیر روش های تربیتی در رشد استعدادهای متفاوت عقلانی انجام شده است نشان می دهد مادرانی که از نظر کلامی قویتر هستند و موقعیت ها یا محرک های کلامی بیشتری برای فرزندان خود فراهم می کنند مثلاً به فرزندانشان فرصت می دهند در بحث های خانوادگی شرکت کنند و به ندرت آن ها را به دلیل ضعف تکلم تنبیه می کنند برایشان کتاب های داستان بیشتری می خردند و برای کمبود پیشرفت در مدرسه دانش آموزان را به طور سازنده مورد انتقاد قرار می دهند فرزندانشان پیشرفت بیشتری دارند (میردوستی، ۱۳۹۰).

تحقیق دیگری در زمینه روش های تربیتی والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان توسط ریموند کتل و دیلمن بارتن (۱۳۷۲) انجام شده است. هدف این تحقیق بررسی این نکته بوده است که آیا رفتار والدین در پیشرفت تحصیلی کودکان مؤثر است یا نه؟ نتیجه کلی تحقیق این است که اولاً رفتار والدین در قدرت های شناختی از جمله پیشرفت تحصیلی مؤثر است. این تأثیر در همه درس ها وجود داشته است. ثانیاً سخت گیری و محبت بیش از حد والدین به فرزندان موجب عقب ماندگی تحصیلی آن ها می شود (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

تحقیقات ویلیامز نشان می دهد که محیط خانواده در ایجاد بعضی از ویژگیهای شخصیتی فرزندان مانند سازگاری، انگیزش، درون گرایی و برون گرایی که برای یادگیریهای بعدی اش در آموزشگاه نقش تعیین کننده ی دارد تأثیر بسیاری دارد ( کدیور، ۱۳۷۹).

اینگلبگ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان هوش هیجانی، عاطفه و سازگاری اجتماعی نشان داد که بین سازگاری اجتماعی موفقیت آمیز و هیجان ها ارتباط مستقیمی وجود دارد. او بر این فرض که هیجان ها، ممکن است در سطح سازگاری اجتماعی مؤثر باشند، تاکید می کند (رضویان شاد، ۱۳۸۴).

<sup>۱</sup>.Belithel

سیورز<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) با بررسی تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر رفتار دانش آموزان نشان داد که استفاده از راهبردهای آموزش مهارت های اجتماعی، مانند الگو سازی، بازی، نقش، تقویت مثبت و تکرار و تمرین دانش آموزان را در ایجاد و گسترش روابط اجتماعی مثبت با دیگران و تطبیق موثر با شرایط و انتظارات آنها کمک می کند (یار محمدیان و شرفی راد، ۱۳۹۰).

کوک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۷) سبک عاطفی والدین و منظومه خانواده را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند، در این تحقیق مدل ارتباط اجتماعی برای روشن کردن پویایی های مربوط به سبک عاطفی والدین، به عنوان راهنمای رفتار والد با کودک مورد استفاده قرار گرفت. نتایج حاصل از هفتاد خانواده که به دنبال خدمات بالینی برای یک عضو نوجوان خود بودند نشان داد که اولاً نوجوانان سبک عاطفی والدین خود را بر می انگیزند به طوری که آن ها را در معرض ریسک قرار می دهند و ثانیاً این تحریک شدن عاطفه منفی والدین تا حد زیادی به ابزار عاطفه منفی نوجوان نیبت به والدین خود کمک می کند (کاکیا، ۱۳۸۷).

روزنبرگ و همکاران (۱۹۸۲) در خصوص مسئولیت پذیری دانش آموز و روابط والدین-نوجوانان با عملکرد تحصیلی آنان در دوره راهنمایی بررسی شده است. مجموعه ای از ۱۲۰ خانواده با فرزند اول که سن آن ها بین ۱۱-۱۶ سال بود در این تحقیق مشارکت داشتند. ارزیابی مسئولیت پذیری نوجوان شامل میزان خوداتکایی، گرایش شغلی، مقاومت در برابر فشار همسالان و مشارکت در مسئولیت های خانوادگی بود. در کل، بررسی های مقطعی نشان دادند که مسئولیت پذیری نوجوانان مجموعه عمل والدین که به عنوان اقتدار توصیف شده است با موفقیت تحصیلی رابطه دارند. اما تحقیقات طولی نشان دادند که مسئولیت پذیری یک همبستگی است تا یک پیش آیند، موفقیت تحصیلی در حالی که اقتدار والدین را افزایش می دهد (کاکیا، ۱۳۸۷).

برنشتاین<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۹۰) استفاده از فرآیندهای اصلاح رفتار کودکان را به مادران آموزش دادند تا بتوانند رفتار کودکان را در منزل تغییر دهند، فرزندان این مادران از لحاظ هوشی در سطح متوسطه بودند و طبق ارزیابی معلم، به رشد نایافته مزاحم و بی انگیزه طبقه بندی شدند رفتار آنها در کلاس به صورت خواب و خیال بوده و عصبانیت شدیدی از خود نشان می دادند نتیجه تحقیق نشان داد که آموزش آن روش ها به مادران باعث کاهش شدید رفتارهای مزاحم در کلاس گردید (کاکیا، ۱۳۸۷).

دیکسون (۱۹۸۵) در ارزیابی خود در زمینه رضامندی جنسی و شادکامی زناشویی نشان داد کسانی که در رضامندی جنسی نمره های بالایی به دست آورده اند از زندگی زناشویی رضایت بیشتری دارند مشکلات جنسی یکی از عواملی است که در ازدواج های موفق و پایدار نیز می تواند سبب بروز نسبت به درمان آنها اقدام گردد (شاملو، ۱۳۷۳).

بال<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) نشان داد که وجود بچه های خردسال در خانه با کاهش سطح شادکامی زناشویی در زنان سیاه پوست ارتباط مستقیم دارد و نیز شمار فرزندان ۶ تا ۱۲ ساله دارای رابطه ی منفی با شادکامی آنها در روابط زناشویی است (ناصحی و همکاران، ۱۳۹۱).

ویلیامز (۱۹۸۶) نشان داد که محیط خانواده در ایجاد بعضی از ویژگیهای شخصیتی فرزندان مانند سازگاری، انگیزش، درون گرایی و برون گرایی که برای یادگیری های بعدی اش در آموزشگاه نقش تعیین کننده دارد تأثیر بسیاری دارد (کدیور، ۱۳۷۹).

دویی رات و مارین<sup>۶</sup> (۲۰۰۵) در پژوهشی با استفاده از روش تحلیل مسیر دریافتند که میزان تلاش دانش آموزان بر پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم و مثبت دارد (به نقل از کاکیا، ۱۳۸۷).

<sup>۲</sup>.Curez

<sup>۳</sup>.Koch

<sup>۴</sup>.Bernstain

<sup>۵</sup>.Bull

کاسیدی<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) در پژوهشی با موضوع پیشینه ی اجتماعی، انگیزش پیشرفت، خوش بینی و سلامت به این نتیجه رسید که شرایط موجود خانوادگی مانند وضعیت اقتصادی، استخدام والدین و تعداد اعضای خانواده، پیش بینی کننده ی سلامت روانی، انگیزش پیشرفت و خوش بینی می باشد. در مطالعه‌ای دیگر، کاسیدی نشان می‌دهد که خوش‌بینی نقش میانجی را در اثرگذاری متغیرهای خانوادگی بر سلامت جسمانی و بهزیستی روانی، ایفا می‌کند.

مایز و راسل (۲۰۰۵) معتقدند که رابطه کودکان با والدین عامل با اهمیت در گسترش رشد اجتماعی و به همراه آن ادراک مثبت به خود به ویژه در زمینه شایستگی اجتماعی، شایستگی ورزشی و حرمت خود است. این افراد همچنین دارای خودقابلیتی بالاتر، بوده و انتظارات سطح بالاتری را برای پیامدهای اجتماعی، نسبت به کسانی که از تعامل با خانواده بی‌بهره‌اند، دارا می‌باشند (یار محمدیان و شرفی راد، ۱۳۹۰).

هارت، رابینسون و اولسن (۲۰۰۳) در تحقیقات معنادار بودن تفاوت‌های جنسیتی احتمالی درسبک‌های فرزندپروری، مبنی بر اینکه مادران بیشتر به روش‌های فرزند پروری مطابق با سبک مقتدرانه می‌پردازند.

هاکسلی<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسید، والدینی که با فرزندان خود رابطه گرم و صمیمی و شیوه فرزند پروری مقتدرانه داشتند؛ جهت گیری انضباطی در آنها در رفتار با فرزندانشان به صورت ارتباطی و حمایتی می‌باشد (کاکیا، ۱۳۸۷).

گرانتیمر<sup>۹</sup> (۲۰۱۱) در نتیجه تحقیقات خود می‌گوید، والدین شیوه مقتدرانه فرزندان مستقل بار می‌آورند که اغلب رفتار اجتماعی شایسته‌ای دارند، بر رفتارهای خود کنترل داشته و با دوستان و همسالان خود رفتار دوستانه‌ای دارند و از حرمت خود بالایی، برخوردارند (خدایاری فرد، ۱۳۹۱).

روپنارین<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در تجزیه و تحلیل و نتایج تحقیق خود نشان دادند که فرزند پروری پدر نسبت به فرزند پروری مادر، تاثیر بیشتری بر مهارت‌های درسی و رفتارهای اجتماعی کودکان داشته است (قره باغی، ۱۳۹۰).

##### ۵- روش تحقیق:<sup>۱۱</sup>

روش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. تحقیق توصیفی شامل روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط با پدیده‌های مورد بررسی است. اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. در تحقیق همبستگی، رابطه متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۲). در این تحقیق، با توجه به اینکه رابطه متغیرهایی همچون. کارکرد خانواده، رضایت زناشویی و سازگاری فرزندان مورد بررسی قرار می‌گیرد، لذا نوع روش تحقیق همبستگی در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان‌های پسرانه شهر گرگان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ بود که طبق آخرین آمار رسمی ۱۸۰۰ نفر می‌باشد. جهت برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده گردید که مطابق با آن حجم نمونه شامل ۳۱۷ دانش‌آموز بود. نمونه مورد نیاز نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید.

-پرسشنامه کارکرد خانواده Family Assessment Device:

<sup>6</sup>.Dophirat & Marvin

<sup>7</sup>.Cassidy

<sup>8</sup>. Hakesly

<sup>9</sup>. Grantimer

<sup>10</sup>. Rupenaryn

<sup>11</sup> -Research method

تست سنجش عملکرد خانواده است که به همت ناتان بی اپشتاین، لارنس ام. بالدوین و دوان اس بیشاب تهیه شده است و هدف آن سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر است. این الگو خصوصاً ساختاری، شغلی و تعاملی خانواده را معین می‌سازد و شش بعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند. همچنین توانایی خانواده در سازش با حوزه‌ی وظایف خانوادگی را بر روی یک مقیاس چهار درجه‌ای

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

### فرضیه اول

بین کارکرد خانواده با سازگاری دانش‌آموزان پسر پایه دوم دبیرستان رابطه معنادار وجود دارد. جهت آزمون این فرضیه با توجه به اینکه متغیر کارکرد خانواده و سازگاری در سطح مقیاس فاصله‌ای می‌باشند (با توجه به پرسشنامه)، از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین سازگاری و ابعاد کارکرد خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. این نتایج با یافته‌های باس (۱۹۹۹)، پناه‌نده (۱۳۷۲)، برونشینی (۱۹۹۴)، بالدوین (۱۹۴۵)، بامریند (۱۹۷۵)، مک کوبی (۱۹۸۳) و بوری (۱۹۹۱) همخوان است. نتایج حاصل از پژوهش مایلی (۱۳۸۸) نیز بیانگر این است که دانش‌آموزانی که در هر یک از ابعاد کارآیی خانواده بالاترین نمره را آورده‌اند از اختلال کمتری در کارکردهای اجتماعی برخوردار بودند و بالعکس و نیز دانش‌آموزانی که در هر یک از ابعاد کارآیی خانواده بالاترین نمره را آورده‌اند از ناسازگاری، افسردگی، اضطراب، اختلال جسمانی کردن کمتری رنج می‌بردند. همچنین مطالعات دیلر، بیرماهر، آکسلسون ۱ و همکاران، (2011) نشان می‌دهد والدینی که مشکلات خلقی دارند و والدینی که دارای اختلال خلقی دوقطبی هستند فرزندانشان از میزان آسیب روانی بالاتری رنج می‌برند. تحقیق دیگر نشان می‌دهد ارتباط عاطفی والدین و بویژه کیفیت گفتگوی عاطفی خانوادگی بر فرزندان در رشد خانوادگی و بالندگی فرزندان تأثیر دارد (گارت پیترز 2 و همکاران، ۲۰۰۸). هم چنین گزارش شده است که حل مسأله در خانواده بر کاهش مشکلات روانی و جسمی تأثیر مثبتی دارد (مالوف 3 و همکاران، 2007). ادبیات نظری و پژوهشی حاکی از آن است که گاهی خانواده‌ها معمولاً به گونه‌ای کودک را محدود می‌سازند که وی ناگزیر نمی‌تواند ارتباط اجتماعی مناسبی را برقرار کند. براساس تحقیقات فرزندان سازگار نسبت به فرزندان ناسازگار در پذیرش و قبول مسولیت کارهای خود و نیز استقلال در روابط در سطح پایینی قرار می‌گیرند. برخی نیز معتقدند این فرزندان به شدت در برابر استرس‌های محیطی آسیب‌پذیر هستند. خانواده‌های کودکان سازگار معمولاً به کودک خود اجازه می‌دهند که تا حد امکان، خود به تنظیم فعالیت‌هایش بپردازد، از اعمال کنترل اجتناب می‌ورزند و پیروی از معیارهای مشخص شده بیرونی را تشویق نمی‌کنند (بامریند، ۱۹۷۱؛ شافر، ۱۹۹۶؛ شافر، ۲۰۰۰). در خانواده‌های از هم گسیخته میان اعضای خانواده ارتباط خوبی وجود ندارد و در زمینه تعامل نقشها و روابط عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی به طور ضعیف‌تری عمل کرده‌اند. هم چنین مطالعات قبلی نشان می‌دهند که بین تمایل به ناسازگاری در نوجوانان و عملکرد خانواده آنان ارتباط مستقیمی وجود دارد (گلچین، ۱۳۸۹).

به طور کلی کارکرد خانواده و مولفه‌های آن ضمن آن که به فرد این امکان را می‌دهد تا با رفتار و خلق سالم ارتباط برقرار کند به کاهش تنش بین فردی نیز کمک می‌کند. اساساً مشکلات رفتاری علاوه بر اینکه به آسیب دیدگی روابط خانوادگی م‌پانجامد روابط خانوادگی معیوب نیز، به کاهش احساس سلامت منجر می‌شود. از طرفی نباید نادیده گرفت که سلامت روانی

ضمن آنکه به برخورد منطقی با مشکلات خانواده کمک می کند به افزایش الفت و همراهی با سایر اعضای خانواده نیز می انجامد. چنان که خانواده کارا دارای ابعاد مختلفی است که لازمه رسیدن به آنها داشتن سلامت روانی است.

### فرضیه دوم

بین رضایت زناشویی با سازگاری دانش آموزان پسر پایه دوم دبیرستان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج به دست آمده در مورد با فرضیه دوم (بین رضایت زناشویی والدین و سازگاری رفتاری فرزندان رابطه مثبت وجود دارد) این فرضیه را تأیید کرد. این موضوع مؤید آن است که اختلاف زناشویی والدین با مشکلات رفتاری فرزندان ارتباط مستقیم دارد. این نتیجه با نتایج پژوهش های محققانی همانند دیویس و کامینک (۱۹۹۴) و بشر دوست (۱۳۷۳) هم راستاست که معتقدند که کیفیت روابط زناشویی پی ش بینی کننده قوی مشکلات رفتاری کودکان است و تعارضات و فشارهای روانی خانوادگی با خلق و خوی نوجوانان رابطه دارد. حسینی (۱۳۹۰) نتیجه گرفت که بین متغیرهای نظم و انضباط و خیال بافی، کمرویی، بی دقتی، تقلب، دزدی و گفتن کلمات زشت رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین متغیرهای افسردگی، ناسازگاری، پرخاشگری، مسئولی تپذیری، گوشه گیری، زورگویی، دروغ گویی، غیبت، تأخیر، ضعف درسی و تعارضات والدین رابطه معنادار وجود دارد.

به طور کلی الگوهای رفتاری ناسازگار در بچه ها زمانی شکل می گیرد که می خواهند خود را با مشاجرات پدر و مادر وفق دهند. آنها گریه می کنند، علائمی از ترس نشان می دهند، در دعوی والدین دخالت می کنند و فرار می کنند. بچه ها ممکن است حساس و مضطرب شوند. این خصوصیات رفتاری می تواند تاثیر بسیار هنگفتی بر اعتماد به نفس، تصویر نفس و عزت نفس آنها داشته باشد. وقتی الگوهای احساسی منفی از زمان کودکی در آنها شکل گیرد، اصلاح و تغییر آنها بسیار دشوار شده و در زندگی آینده آنها خطر ساز خواهد شد. اگر بچه ها بطور مداوم شاهد این مشاجرات باشند، به ویژه در محیط خانه، این رفتارها را تقلید کرده و در بازی با دوستانشان و در موقعیت های دیگر همانها را اجرا می کنند. مدل سازی از رفتارهای والدین، پدیده ای رشدی است که اگر دعوا کانون آن باشد، تاثیراتی بسیار مخرب خواهد داشت.

### فرضیه سوم

از روی کارکرد خانواده و رضایت زناشویی می توان سازگاری دانش آموزان را پیش بینی نمود. برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون به منظور بررسی رابطه آن ها استفاده گردید. در بین ابعاد کارکرد خانواده همراهی عاطفی، ارتباط و آمیزش عاطفی بهترین پیش بینی کننده برای سازگاری بوده اند همچنین رضایت زناشویی در یک گام پیش بینی کننده سازگاری بوده است. در تبیین این نتایج می توان عنوان نمود که ماهیت جو عاطفی خانواده که شامل روابط والدین نسبت به فرزندان، فرزندان نسبت به یکدیگر و والدین نسبت به هم است، می تواند در ایجاد سازگاری کودک و نوجوان تسهیل کننده و یا بازدارنده باشد. نوجوانایی که در خانواده های مملو از سوءظن، عیب جویی، سرزنش و بی اعتنائی عاطفی رشد می نمایند در ساختن هویت خویش و ایجاد روابط مطلوب با دیگران دچار مشکل خواهند بود. والدین ناآگاه و بی توجه به اهمیت رفتار گرم و صمیمانه با فرزندان، با ایجاد محیطی ناخوشایند در خانه فرزندان ناسازگار خواهند داشت. تحقیقات بسیار حاکی از آن است که ارضای نیازهای عاطفی موجب سلامت روان و سازگاری و موفقیت می گردد و برعکس ارضا نشدن و یا ارضای ناقص این نیازها سبب بروز اختلالات، ناسازگاری و عدم موفقیت می گردد.



### پیشنهادات بر اساس یافته های پژوهش

- پیشنهاد می شود که در مطالعات بعدی پژوهش حاضر بر روی سایر نمونه ها از جمله دانش آموزان سایر دوره ها و حتی دانشجویان بررسی گردد.
- پیشنهاد می شود که مطالعات دیگری در سایر نقاط کشور به ویژه برای تمامی اقوام ایرانی و همچنین اقلیت ها صورت بندی گردد.
- پیشنهاد می شود که در مطالعات بعدی نمونه مورد مطالعه بر اساس متغیرهای مداخله گر همسان سازی شود و نتایج آن با مطالعه حاضر مقایسه گردد.
- پیشنهاد می شود سایر ویژگی های فردی و همچنین متغیرهای واسطه ای دیگر را به منظور دستیابی به یک مدل جامع و همه جانبه مد نظر قرار داد.

## منابع

۱. اتکینسون، هیلگارد. ۱۳۸۶. *زمینه روان شناسی*. ترجمه ی براهنی، محمد تقی، جلد اول و دوم. تهران: انتشارات رشد.
۲. اتکینسون ر ال، اتکینسون ر اس، هیلگارد ا. ۱۳۸۶. *زمینه روانشناسی بالینی*. ترجمه م ن براهنی، جلد اول و جلد دوم چاپ دهم، تهران: انتشارات رشد.
۳. احدی ب، کشوری، معصومه. ۱۳۸۱. *رضایتمندی زناشویی ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی - رفتاری کودکان*. مجاه *روان شناسی*. ۸ (۶):۱۳.
۴. احمدی ا. ۱۳۸۴. *مقدمه ای بر مشاوره و روانشناسی*. اصفهان، نشر دانشگاه اصفهان.
۵. احمدی ب، سلیمان اختیاری ی. ۱۳۸۸. اثر بخشی مداخلات آموزش سلامت برای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴):۲۳۷-۲۵۷.
۶. امینی ف. ۱۳۷۹. *مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه دانش آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم*.
۷. آقا بخشی ح. ۱۳۷۸. *اعتیاد و آسیب شناسی خانواده*. تهران: انتشارات دانش گاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۸. آقابابایی ع. ۱۳۸۴. *خشونت مالی و اقتصادی علیه زنان*. مجموع مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم. شهرکرد، ۱۰۳-۱۰۱.
۹. بخشی ح، اسد پور م خدادادی زاده ع. ۱۳۸۶. ارتباط رضایت از روابط زناشویی با افسردگی زوجین. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ۱۱ (۲):۸۹-۷۶.
۱۰. پاول ه م. ۱۳۸۰. *کارکردهای خانواده ترجمه یاسائی تهران: نشر مرکز کتاب*.
۱۱. پویانفر آ، ۱۳۸۱. *بررسی رابطه بین کارائی خانواده با سلامت عمومی زو جین دانشجو در شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۱۲. پیکرستان ع. ۱۳۸۰. *مقایسه عملکرد خانواده های دارای دختران فراری و خانواده های دارای دختران نوجوان عادی شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی: دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۱۳. ثنائی ب. ۱۳۷۸. *نقش خانواده اصلی در ازدواج فرزندان. تازه ها و پژوهش های مشاوره*، (۱):۴۶-۲۱.
۱۴. چلبی م. رسول زاده اقدام ص. ۱۳۸۱. *آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان مجله جامع شناسی ایران*. ۴ (۲):۳۳-۴۱.
۱۵. حیدری ش. ۱۳۸۴. *خشونت علیه زنان در جامعه سنتی در حال گذار. وجموعه مقالات همایش خشونت علیه زنان را متوقف کنیم*. شهر کرد، ۵۴-۳۸.
۱۶. حیدری ع. ۱۳۸۴. *بررسی عملکرد خانواده و مولفه های خود گرایی در دانش آموزان پسر پایه دوم متوسط نظری شهر ایلام*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۱۷. درویزه، زهرا. 1382. *بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش آموز دبیرستانی واختلالات رفتاری دختران شهر تهران*. *پژوهشکده زنان*، ۷ (۳):۵۶-۷۲.

18. Audo CAF,CorreaAMS,Andderade MDG perez -Escamilia R2011 violenceagahnsepregnatewoman:prevalenceand associatedfactors. *Revistade sade publica*. 9:652-664.

19. Avey B. 2006. The implications of positive psychological capital on employee absenteeism. *Journal of Leadership and Organizational Studies*, 13, 2.
20. Barnett OW, Hamberger LL. 1992. The Assessment of maritally violent Men on the California Psychological Inventory. *Violence and Victims*, 7. Coie J, Watt N, West S, Hawkins J, Asamow J, Markaman H, Ramey S, Shure M, Lonj. B. 1993. *The science of prevention: American Psychologist*, 48, 1013-1022.
21. Bakker A, Schaufeli WB. 2008. *Positive Organizational Behavior*. 29.
22. Crowhey AK, 2006, *The relationship of adult attachment style and interactive conflict style to marital satisfaction*. A dissertation in degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY. Counseling Psychology.
23. Donohue R. 2010. *Positive Psychological Capital: A preliminary exploration of construct*. Working paper Monash University. Department of